

جزء چهاردهم

نغمه‌های احسان!

﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ
وَإِيتَايَ ذِي الْقُرْبَىٰ﴾

سوره نحل، آیه ۹۰

خدا از سرِ مهربانی و مصلحت، به برقراری
عدالت در جامعه، به خیرخواهی برای مردم و
به بخشش به قوم و خویش فرمان می‌دهد.



الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ زِدْنَاهُمْ عَذَابًا
فَوْقَ الْعَذَابِ بِمَا كَانُوا يُفْسِدُونَ ﴿٨٨﴾ وَيَوْمَ نَبْعَثُ فِي
كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا عَلَيْهِمْ مِنْ أَنْفُسِهِمْ وَجَعْنَا بِكَ
شَهِيدًا عَلَى هَؤُلَاءِ وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تَبْيِينًا لِكُلِّ
شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَى لِلْمُسْلِمِينَ ﴿٨٩﴾ *إِنَّ اللَّهَ
يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَايَ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ
الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ
﴿٩٠﴾ وَأَوْفُوا بِعَهْدِ اللَّهِ إِذَا عَاهَدْتُمْ وَلَا تَنْقُضُوا الْأَيْمَانَ
بَعْدَ تَوْكِيدِهَا وَقَدْ جَعَلْتُمُ اللَّهَ عَلَيْكُمْ كَفِيلًا إِنَّ
اللَّهَ يَعْلَمُ مَا تَفْعَلُونَ ﴿٩١﴾ وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِي نَفَضَتْ
غَزْلَهَا مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ أَنْكَاثًا تَتَّخِذُونَ أَيْمَانَكُمْ دَخَلًا
بَيْنَكُمْ أَنْ تَكُونَ أُمَّةٌ هِيَ أَرْبَىٰ مِنْ أُمَّةٍ إِنَّمَا يَبْلُوكُمُ اللَّهُ
بِهِ ۗ وَيُبَيِّنُ لَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ
﴿٩٢﴾ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَٰكِن يُضِلُّ مَنْ
يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَلَسْتَ لَنْ عَمَّا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٩٣﴾



تلاوت آیه



مدرسه حفظ

مثل آب حیات است؛ آبی که تشنه‌ای در بیابانی به آن می‌رسد.
همین است که تو به آن سفارشمان کرده‌ای؛ از سر مهر و لطافتت به ما، از
سر دانش و حکمت و مصلحتت!
تو ما را اینگونه می‌خواستی: نشستن و برخاستن و قدم برداشتن به
عدالت!

همان حفاظ نگه‌داری که خوشی‌های عمیق و طولانی دارد؛
همان که آبادانی شهرها، حاصلخیزی زمین‌ها و برکت‌ریز در دستان ماست.
«هر که عدالت بر او تنگ آید، بی‌عدالتی بر او تنگ‌تر خواهد بود!»
تو ما را این‌طور می‌خواستی:
که عدالت را از خانه‌هایمان شروع کنیم و منتشرش کنیم در تمام کوی و
برزن‌ها؛

از داوری بین دو فرزند گرفته تا ایستادن در نوبت‌ها.
که نگذاریم به قدر سر سوزنی ظلم، ویران کند آبادی‌هایمان را.
که دست‌هایمان بلد باشد راه بذل و بخشش را.
که از تو پیام‌وزیم دست‌ودل‌بازی را.
از تویی که بخشنده‌ای و مهربان!

مهربانی که در رَجَم مادر رشدمان دادی، که به دنیای مان آوردی؛
تا زندگی کنیم و در مزرعهٔ دنیا خیر و نیکی بکاریم و در بهشت پشته پشته
برچینیم!

ما جیره خور مهربانی تویم.

در هر گامی که برمی دارم، کلمات در سرم طنین می اندازد:

((وقتی دستت را برای عدالت بلند می کنی، شرافت را به زندگی ها
باز می گردانی.

وقتی برای احسان گامی برمی داری، بذر مهربانی را در زمینی
سخت می کاری.

وقتی بخشش را به دل های نزدیکان هدیه می کنی، قلبی را
از شکستن نجات می دهی.))

ای دریای لطف و احسان!

می خواهم رنگ و بوی تو بگیرم و به عدالت زندگی کنم!

بخشم و چشم پیوشم از فریبندگی دارایی ها.

دست هایم را باز بگذارم برای احسان و نیکوکاری ها.

و چشم بگردانم در اطرافم و خوب ببینم و بشنوم و دادرس باشم؛

دادرس نزدیکانی که مرا فرستاده تو می بینند؛ می خواهم فرستاده تو باشم.

و برای تو جان و مال و زندگی ام را فدا کنم.

مانند خوبانی که شبیه تو شده اند؛

همان ها که برای تاریکی قبرشان، پشته هایی از نور بخشش می فرستند.

همان ها سر به بالین نمی گذارند، اگر گرسنگی صدای نزدیکی را به

گوش هایشان بشنوند.

همان ها که چشم نمی بندند روی قوم و خویش ها؛

حالشان را می پرسند و در روزهای سخت، پشتیبانی شان می کنند.

چنان که از پروردگارشان چشم انتظار پشتیبانی اند.
قوتم بده در این فدا کردن‌ها!
جانم بده که برای تو بارها بمیرم و زندگی کنم!



سوژه‌های سخن



خاطره شهید



پویانمایی



یادگست صوتی



تبیین آیه